



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الرحمن
علیه صاب

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

اثبات وجود خدا

یا رد عقاید شیخ گانه ماتریالیست‌ها

نویسنده:

عالم عقاید مرحوم آیدالله سید علاءالدین هاشمی

(محمود مجدی)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اثبات وجود خدا یا رد عقاید شش گانه ماتریالیست ها

نویسنده:

سید علاءالدین هاشمی

ناشر چاپی:

کتیبه نوین

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	اثبات وجود خدا یا رد عقاید شش گانه ماتریالیست ها
۶	مشخصات کتاب
۶	اشاره
۱۰	اهدا
۱۲	انجمن دینی جوانان در پیرامون اثبات وجود خدا
۱۳	فصل اول
۱۴	فصل دوم
۱۵	فصل سوم
۱۶	فصل چهارم: برهان عقلی اثبات خالق
۳۷	فصل پنجم: ندای فطرت در اثبات وجود خدا
۴۲	فصل ششم: برهان علمی بر اثبات خالق
۴۸	درباره مرکز

اثبات وجود خدا یا رد عقاید شش گانه ماتریالیست ها

مشخصات کتاب

سرشناسه : مجد، سید محمود، 1318-1399.

عنوان و نام پدیدآور : اثبات وجود خدا یا رد عقاید شش گانه ماتریالیست ها/نویسنده سیدعلاء الدین هاشمی (محمود مجدی).

مشخصات نشر : شیراز: کتیبه نوین، 1400.

مشخصات ظاهری : 42ص.؛ 9/5×19/5 س.م.

شابک : 200000 ریال: 6-013-307-622-978

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

موضوع : اسلام و ماتریالیسم

Islam and materialism*

خدا (اسلام) -- اثبات

God (Islam) -- Proof

خدا -- اثبات

God -- Proof

رده بندی کنگره : BP232/2

رده بندی دیویی : 297/4814

شماره کتابشناسی ملی : 8770814

اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیپا

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 3

اثبات وجود خدا یا رد عقاید شش گانه ماتریالیست ها

نویسنده: عالم فقید مرحوم آیه الله سیدعلاء الدین هاشمی (محمود مجدی).

ص: 4

تقديم به تو ای جوانی که دور از تلقینات غلط اجتماعی و بیرون از تأثیر عکس العمل های گمراه کننده محیط می اندیشی و در صدد تحقیق و بررسی در زمینه های مختلف هستی.

ص: 5

انجمن دینی جوانان در پیرامون اثبات وجود خدا

از چه راه هایی می توان خدا را ثابت کرد؟ ما برای اثبات وجود خدا چند راه داریم: نخست دلیل نقلی و آن نیز به 3 بخش تقسیم می گردد. اول آیاتی از کلام الله مجید که حقانیت آن به وجود معجزاتی از قبیل پیشگوئی ها و فصاحت و بلاغت و بیان رموز علمی درباره کائنات در آن به ثبوت رسیده، دوم گفتار پیشوایان دین اسلام، سوم سخنان بیگانگان و دانشمندان از مخترعین و مکتشفین جهان.

راه دوم از طریق اقامه برهان عقلی است که آن هم چند قسم تقسیم می گردد. راه سوم دلیل علمی بر اثبات وجود خدا، راه چهارم برهان فطری. پس بحث در پیرامون اثبات خدا خلاصه می گردد در شش فصل.

ص: 7

در قرآن آیات زیادی داریم برای اثبات خدا، لکن با وصف اینکه حقانیت قرآن چنانچه بیان شد از معجزات موجود در آن به ثبوت رسیده ولی سندیت آن برای اثبات موضوعی بعد از ثبوت وجود خداوند است، لذا فقط چند آیه از آن آیات را ذکر می کنیم (إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ) ترجمه: من رو می کنم صورتم را به جانب کسی که آفرید آسمان ها و زمین را (وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ) و اوست کسی که آفرید آسمان ها و زمین را به درستی (اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا) ترجمه: خدا کسی است که افراشت آسمان ها را بدون ستونی که ببینید آن را. همچنین آیه 18 سوره حج و آیه 1 و 63 سوره عنکبوت و آیه 1 و 4 سوره تغابن و آیه 3 و 19 سوره ملک و آیه 1 تا 5 سورهای علی نیز دلالت بر این می کند که خالق آسمان ها و زمین و خالق کلیه موجودات جهان، خداست.

گفتار پیشوایان دین اسلام: کلمات بی شماری درباره خدا از ائمه اطهار (علیهم السلام) صادر شده، لکن روی همان علتی که در بیان آیات قرآن در این باره بیان شد به يك نمونه آن اکتفا می کنیم (قال ذعلب الیمانی لا میرالمؤمنین هل رأیت ربك قال أفأعبدُ ما لا أرى؟ فقال: وكيف تراه؟ فقال: لا- تُدركُهُ العُیونُ بِمُشَاهَدَةِ العِیَانِ، وَلَكِنْ تُدركُهُ القُلُوبُ بِحَقَائِقِ الإیمانِ) ترجمه: گفت شخصی بنام ذعلب یمانی به حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام): آیا دیده ای خدای خود را؟ حضرت علی (علیه السلام) فرمود: «آیا پرستش کنم کسی را که ندیده ام؟» سپس یمانی گفت: چگونه دیدی خدا را؟ حضرت فرمود: احساس نمی کند او را چشمان به دیدن و لکن حس می نماید او را دل ها به حقیقت ایمان و در پرتوی آن (نهج البلاغه، خطبه 179، نسخه صبحی صالح)

گفتار غیرمسلمانان از مخترعین و مکتشفین و دانشمندان درباره اثبات وجود پروردگار. دکارت دانشمند بزرگ روانکاو و فیلسوف ذهن، دلایلی درباره اثبات خدا دارد؛ من جمله می گوید: من آفریننده خود نیستم، اگر بودم خود را کامل می آفریدم. دلیل دوم دکارت، اینکه درك نقص در اشیاء در صورتی امکان پذیر است که فرد کاملی وجود داشته باشد. من احساس نقص در خود و سایر موجودات می کنم پس فرد کاملی در جهان موجود است که در غیر او نقص احساس می شود. آن فرد کامل جز خدا نمی تواند شخص دیگری باشد.

نیوتن ریاضیدان، فیزیکدان و ستاره شناس معروف انگلیسی برای اثبات وجود خدا دلایلی دارد، از آن جمله می گوید از بررسی در چگونگی منظومه های فلکی و کرات آسمانی و تحقیق درباره اعضاء و جوارح انسان و غیرانسان

چنین به دست می آید که پدیدآورنده آن دارای جمیع علوم بوده از قواعد فیزیکی و محاسبات دقیق ریاضی و سایر قوانین علمی و فلسفی اطلاع کامل داشته. آیا می شود آن فرد دانا به جمیع علوم را جز خدا دانست؟

فلاسفه و دانشمندان و مشاهیر بزرگ جهان براهین بی شماری دارند برای اثبات وجود خدا. چنانچه (جان کلور مونسما) در کتاب خود شهادت و اعتراف چهل تن از دانشمندان بزرگ جهان را درباره وجود خدا گرد آورده است.

فصل چهارم: برهان عقلی اثبات خالق

در این مبحث باید نخست مکتب مادی گری و منکرین خدا را معرفی کرده سپس به بیان عقاید و نظریات آنان درباره آفرینش پرداخته آنگاه به پاسخ ایرادها و اشکالات و رد عقاید آنان به وسیله دلایل عقلی پرداخت. مکتب مادی گری علمی بنام مکتب (ماتریالیسم دیالکتیک) می باشد که ترکیب یافته از واژه (ماتریال) که در زبان

فرانسه به معنی ماده است و کلمه (ایسم) که وسیله نسبت دادن چیزی است به چیزی پس ماتریالیسم یعنی مادی‌گری. (دیالکتیک) از لغت دیالگو که در زبان یونانی به معنی مکالمه و مباحثه است از طریق علمی گرفته شده پس جمله (ماتریالیسم دیالکتیک) یعنی مسلک مادی‌گری بر پایه تحول عمومی.

خلاصه و فشرده عقاید پیروان مسلک (آته ایسم)، یعنی الحاد و خدانشناسی، درباره خلقت و آفرینش این چند قول متنوع است. اول اینکه برخی می‌گویند عالم جز خواب و خیالی بیش نیست. پیرو این اندیشه را (سوفسطائی) و یا (ایده آلیسم) می‌گویند.

دوم- اینکه جهان خودبه خود به وجود آمده.

سوم- اینکه جهان از قدیم وجود داشته و ازلیست.

چهارم- اینکه موجودات عالم هر یک عامل پیدایش یکدیگرند مانند تخم مرغ که از مرغ و مرغ از تخم مرغ به وجود آمده می‌باشند.

ص: 12

پنجم- اینکه موجودات جهان هر يك عامل جدا دارند و چون حلقه های زنجیر به هم پیوسته اند. مانند اینکه خمیر از آرد و آرد از گندم و گندم از خاك موجود گشته.

ششم- اینکه علل و عواملی در پیدایش جهان در کار نبوده بلکه موجودات در اثر تصادف و اتفاق به وجود آمده.

ما به خواست خداوند به وسیله برهان عقلی، ناصحیح بودن هر يك از این شش احتمال و عقیده را به اثبات خواهیم رسانید انشاء الله تعالی.

در جواب ادعای فلاسفه سوفسطائی ایده آلیسم که می گویند جهان و آنچه که در اوست حقیقتی نداشته همه موجودات تصویری از وهم و خیال اند، گوییم اگر گفتار شما درست باشد، انسان یکی از موجودات است و بنا بر این فرض، موجودی حقیقی نبوده اصلاً وجود ندارد. چگونه تصور می کند که وجود او موهوم است و حقیقتی ندارد و روی همان فرض، همین تصور هم موهوم خواهد بود.

ص: 13

در جواب ادعای دوم ماتریالیست ها و منکرین خدا که می گویند جهان و کلیه موجودات از کوچک و بزرگی و ساده و پیچیده همه خود به خود پدید گشته و نیاز به پدید آورنده ندارد، گوییم یکی از اصول مسلم علمی و عقلی آن است که موجود گشتن هر گونه پدیده در جهان، نیاز به فراهم شدن چهار علت دارد:

اول علت مادی. دوم علت صوری. سوم علت غائی. چهارم علت فاعلی. مثلاً برای ساختن ساختمان، احتیاج به چهار علت به ترتیبی که ذکر شد یعنی وسایل مادی (یعنی مصالح ساختمانی) و صوری (یعنی نقشه) و غائی (یعنی مقصود و منظور از ساختن) و فاعلی (یعنی مهندس و معمار و بنا) داریم که در صورت فقدان هر يك از آن ها ساختن يك بنا ولو اینکه مختصر هم باشد، امکان پذیر نخواهد بود و هرگز موجودی به وجود نخواهد آمد. مگر اینکه این چهار علت موجود گردد که یکی از آن ها علت

فاعلی می باشد: یعنی هر موجودی نیاز به وجود آورنده دارد. پس ادعای اینکه عالم خودبه خود موجود گشته با اصول عقلی (شهود طبیعی عقلی) سازگار نیست.

در پاسخ ادعای سوم ماتریالیست ها که می گویند جهان از قدیم موجود بوده کسی او را به وجود نیاورده گوییم که قانون انکارناپذیر (ترمودینامیک) حرارت ثابت کرده که جهان به طرف سرنوشتی در حرکت است که سرانجام، حرارت آن رو به نیستی می گراید و زمانی فرا می رسد که دیگر اثری از انرژی و حرارت در جهان نخواهیم یافت. در آن هنگام زندگی غیرممکن بوده نشانه از حیات و زندگی پیدا نخواهیم کرد. اگر گوییم جهان قدیم است و از اول وجود داشته باید این حالت مرگ را هم از قدیم موجود باشد در صورتی که وجود نداشته بلکه این تمام شدن شرایط زندگی و با تمام رسیدن انرژی و حرارت در جهان بعداً به وجود می آید پس چنین نتیجه گیری می کنیم که فرضیه و اعتقاد مبنی بر ازلی و قدیمی بودن عالم غلط است.

ص: 15

گفتار چهارم (ماتریالیست ها) که می گویند کلیه موجودات جهان هر يك عامل یکدیگرند مانند تخم مرغ که از مرغ و مرغ از تخم مرغ به وجود آمده می باشند گوئیم از نظر تحقق اشکال (دور) در این گونه فرض که عقلا- صحیح نیست، این نظریه نیز مواجه با شکست می گردد. (دور) چیست؟ (دور) در اصطلاح وابستگی دو چیز است به هم به طوری که هر يك مستقلاً بدون دخالت موجود دیگر عامل پیدایش یکدیگر باشند. صحیح نبودن (دور) آن است که از قاعده (ترمودینامیک) چنان چه در بحث سوم بدان اشاره گردید معلوم شد که پتانسیل انرژی در عالم رو به کاهش است. طبق فلسفه ناشی از آن، انرژی در جهان دائماً در حال تغییر و تحول است و از موجودی به موجود دیگر انتقال می یابد و از صورتی به صورتی در می آید: نیروی مکانیکی به الکتریکی و الکتریکی در اثر شدت و ضعف حرکت الکترون ها و ارتعاشات فرکانس و نوسان ها به صوت و حرارت و نور تبدیل می گردد ولی آنچه که باید در تمام این دوران ها باشد این است که باید این تبدیل و

تغییر و جابجا شدن و از صورتی به صورتی دیگر در آمدن مطابق قاعده مسلم (آنتروپی) باشد یعنی بیشتر، ضمیمه کمتر شود (یک اختلاف پتانسیل برای سرازیر شدن انرژی، ضروری است و سپس با جاری شدن انرژی، شاهد کاهش اختلاف پتانسیل خواهیم بود).

مثال اول- اگر دو منبع آبی را که سطح یکی از آن ها بالاتر از دیگری است به وسیله لوله به هم مربوط بسازیم خواهیم دید آب از سطح بالا به طرف پائین خواهد آمد.

مثال دوم- اگر آهن گداخته ای را در آب سردی فرو بریم حرارت آهن به آب انتقال پیدا کرده همچنین (تصوراً) سردی آب به آهن منتقل می شود (یعنی دمای آهن هم کاهش می یابد).

مثال سوم- اگر دو باطری را که اندوخته الکتریکی آن ها مساوی نیستند به وسیله سیم هادی به هم متصل نماییم در بین آن دو باطری توازن برقرار خواهد شد پس چنین

نتیجه می‌گیریم که دو چیز مساوی هرگز نمی‌توانند عامل تغییر در یکدیگر شوند پس تخم مرغ به تنهایی مرغ را به وجود نیاورده بلکه تخم مرغ و حرارت و رطوبت و سایر شرایط که به وسیله پرهای مرغ و یا ماشین‌های جوجه‌کشی فراهم شده به وجود آمده و همچنین مرغ به تنهایی تخم مرغ را پدید نیاورده بلکه صدها شرایط (یعنی تقارن‌های شکسته و اختلاف پتانسیل‌ها) و موجبات به مرغ کمک کرده تا تخم مرغی موجود گشت. روی همین مقدمه عقلی غیرقابل تردید فرضیه برخی از (ماتریالیست‌ها) مبنی بر اینکه موجودات جهان هر یک عامل موجودیت و پیدایش یکدیگرند غلط است (مگر اینکه ماتریالیست‌ها، معترف به وجود واجب‌الوجود شوند که عدول از نظریه مادی خودشان است چون واجب‌الوجود مادی، نه تجربتاً، نه شهوداً و نه عقلاً، ممکن نیست و پذیرش وجود واجب‌الوجود غیرمادی هم، آغاز پذیرش الهیات است).

اما ادعای پنجم (ماتریالیست ها) که می گویند هر يك از موجودات جهان عاملی جدا دارند و چون حلقه های زنجیر به هم پیوسته اند مانند اینکه نان از خمیر و خمیر از آرد و آرد از گندم و گندم از خاک موجود گشته می باشند این عقیده از نظر وجود اشکال (تسلسل) در آن باطل است.

تسلسل چیست؟ تسلسل پرسش و جواب هایی را گویند که انجامی نداشته باشد و منتهی به جواب قانع کننده نشود چنانچه در مثال بالا اگر سؤال شود خاک از چیست و آنچه خاک از آن موجود گشته از چه به وجود آمده اگر بگویند از مواد آلی معدنیات موجود گشته اند باز جای پرسش است که معدنیات که از مواد آلی به وجود آمده اند از چه درست شده اگر گویند از مواد معدنی آنگاه اشکال دور پیش می آید که قبلاً بطلان آن به اثبات رسید اگر چیز دیگری را بگویند باز جای پرسش مجدد است.

ص: 19

چرا دلیل تسلسلی غیر صحیح و غیر معقول است؟ تسلسل از چند نظر درست و معقول نیست اول اینکه پیرو این عقیده که لازمه آن وجود تسلسل است نمی تواند برای همه موجودات علت تراشی کند بلکه وقتی به آخرین مرحله رسید می گوید نمی دانم و یا تاکنون علت آن دانسته نشده (و یا آخرین حلقه در سلسله حلقه ها یا اصل خود سلسله حلقه ها را از نظر وجودی، ضروری بگیرد و اولی بداند که باز هم عدول از نظریه مادی از طریق پذیرش واجب الوجود است که نحوه این عدول در صفحه قبل بیان شد).

دوم اینکه باید صحت تسلسل و یا غیر صحیح بودن آن را از فطرت های ساده و دور از تلقینات اجتماعی پرسید و اصولاً باید دید آیا این گونه پاسخ های تسلسلی نزد فطرت بشری قابل پذیرش است یا نه، مثال: قضیه پرسش های حضرت ابراهیم (علیه السلام) در کودکی از مادر خود درباره آفریننده جهان و جواب های مادر و قانع نشدن فطرت پاك او از این پاسخ های تسلسلی مادر.

مثال دوم- اگر کودکی از مادر خود پرسد مادر میوه از کجا می آید؟ مادر بگوید از باغ سپس مرتب از مادر سؤال می کند که باغ از کجا آمده؟ جواب: از زمین، می پرسد: زمین از چه درست شده؟ همچنان از مادر سؤال می کند و جواب های تسلسلی مادر او را قانع نمی کند مگر اینکه مادر سرانجام بگوید همه موجودات را خدا آفریده و وجود او از خود اوست (اصطلاحاً واجب الوجود ذاتی است) و کسی نمی تواند به حقیقت ذات او پی ببرد چون همه موجودات از نظر مرتبه پائین ترند از او چنانچه اختراع نمی تواند مخترع خود را درک کند:

همه جمع هستی از آن کمترند

که با هستی اش نام هستی برند

مثلاً (گراهام بل) می داند تلفن چیست و از چه درست شده ولی تلفن امکان ندارد بفهمد گراهام بل کیست و از

ص: 21

چه به وجود آمده. کاشف برق (ادیسون) می داند برق چیست و از چه پدید گشته ولی برق با تمام قدرتش نخواهد توانست بداند ادیسون کیست و از چه ساخته شده (مگر از طریق برنامه ریزی ماشین که آن هم اصالت ذاتی ندارد و نوعی تعبیه ی منطق در ماشین توسط انسان یا اکتساب و انباشت منطق در ماشین از طرق دیگر است که هیچ کدام، مصداق فهمیدن آگاهانه نیست).

دسته پنجم از پیروان مکتب (ماتریالیسم) معتقدند که کلیه موجودات جهان در اثر تصادف پدید گشته و عقل و شعوری در پیدایش آن ها دخالت نداشته است. ما درباره پاسخ گویی آنان ناگزیریم نخست جهان را از نظر بزرگی و چگونگی بررسی نماییم آنگاه بیاندیشیم که عقلاً می توان خلقت آن را به تصادف نسبت داد یا نه.

ص: 22

برای سنجش عظمت عالم ناچاریم که اول با ارقام بزرگ آشنا شویم چون گفتن و یا شنیدن میلیون و یا میلیارد آسان ولی درک و تصور بزرگی آن‌ها دشوار می‌باشد برای نمایش بزرگی آن مجبوریم چند مثال بزنیم:

مثال اول- اگر بخواهیم یک میلیون عدد را شمارش کنیم و در هر دو ثانیه سه عدد را تلفظ نماییم برای رسیدن به عدد یک میلیون تقریباً 185 ساعت و 11 دقیقه که معادل با هفت شبانه روز و 16 ساعت است وقت لازم خواهیم داشت.

مثال دوم- اگر شما دو میلیون برگ کاغذ معمولی را روی هم بچینید ارتفاع آن کمتر از 100 متر نخواهد بود.

عظمت عالم: بنا به فرضیه (اینشتین) بزرگ‌ترین سرعتی را که می‌توان درباره اجسام تصور کرد سرعت حد است که آن سرعت نور می‌باشد یعنی سیصد هزار کیلومتر در ثانیه. وسایل تندرو فعلی سرعتشان بیست کیلومتر در

ص: 23

ثانیه است اگر سرعت آن‌ها را به سی کیلومتر در ثانیه افزایش دهیم و بخواهیم با آن وسیله از شعاع منظومه شمسی خارج گردیم که مسافت آن سیصد و بیست دقیقه نوری است یعنی پنج هزار و نه صد میلیون کیلومتر نیاز به شش سال طی طریق خواهیم داشت و اگر بخواهیم بدون وقفه مجدد به سوی زمین مراجعت نماییم دوازده سال به طول خواهد انجامید و اگر بخواهیم نزدیک ترین ستاره خارج از منظومه شمسی که به نام (پروکسیما) است برسیم باید این راه را در (42700) سال طی نماییم.

ستارگان دیگری در جوی نهایت بزرگ جهان هستند که از ابتدای خلقت به جانب ما نورافشانی می کنند ولی نه تنها نور آن‌ها با سرعتی سرسام آور (سیصد هزار کیلومتر در ثانیه) تاکنون به ما نرسیده بلکه میلیون ها سال پس از این نور آن‌ها به زمین خواهد رسید.

ص: 24

نمونه دوم از عجایب خلقت، اگر دل هر ذره ای را بشکافیم و با چشمانی مسلح بدان بنگریم جهانی بس عجیب و بهت انگیزی در آن خواهیم یافت.

در ساده ترین اتم ها که اتم گاز هیدروژن است ذره بی نهایت کوچکی بنام الکترون در مداری معین به گرد ذره بسیار ریزی بنام پروتون می چرخد و در غیر گاز هیدروژن ذره دیگری بنام نوترون در جنب پروتون قرار گرفته و از نظر تعداد الکترون ها اجسام با هم مختلف هستند.

اگر کیلوگرم اورانیوم شکافته شود انرژی حاصله از آن معادل حرارت به دست آمده از سوخت يك میلیون و دویست و هشتاد هزار کیلوگرم زغال سنگ می باشد و به طور متوسط اگر تقریباً کیلوگرم هر جسمی تبدیل به انرژی حرارتی اتمی شود حرارت آن مساوی است با حرارت حاصله از سوخت يك میلیون و چهارصد هزار تن زغال سنگ؛ اگر چند کیلوگرم شن را به طور کامل تبدیل

ص: 25

به انرژی اتمی نمایند، و به وسیله آن مولدهای برق رابکار اندازند از نیروی برق آن می توان مصرف چندین ساله ایالات متحده آمریکا را تأمین نمود.

وقتی برای اولین بار ماشین جوجه کشی اختراع شد مشاهده گردید با وصف حرارت مطبوع و رطوبت مناسب نتیجه منفی است وقتی دقت کردند و مرغی را که بر روی تخم مرغی خوابیده بود تحت بررسی و کنترل قرار دادند دیدند مرغ مزبور به فاصله های معینی تخم مرغ ها را می غلطاند دریافتند که باید در ماشین ها نیز همین جهت عملی گردد وقتی کردند نتیجه مطلوب بود.

پرنده بنام (آکسیکلوب) هنگام تخم گذاری چوبی به دست آورده آن را سوراخ می کند سپس از گیاهان و سایر چیزهایی که برای فرزند او قابل تغذیه است در درون آن قرار می دهد سپس به روی آن يك تخم می گذارد آنگاه پرده ضخیمی بروی آن کشیده مجدداً مواد غذایی بروی آن ریخته تخم دوم را می گذارد همچنین تا چندین تخم

ص: 26

سپس به روی همه آن ها پرده محکم تری می کشد چونچند لحظه بعد از تخم گذاری می میرد و جوجه های او پس از خروج از تخم تا مدتی توانایی دفاع از خود و تهیه آذوقه را ندارند حال که چند نمونه از عجایب خلقت از نظر بزرگی و عجایب خلقت بیان شد و وضعیت عجیب داخلی اتم و حرکت دادن متناسب و به موقع مرغ تخم مرغ ها را و پیش بینی پرنده (آکسیکلوپ) جهت فرزندان آینده خود که در نمونه دوم و سوم و چهارم بیان گردید آیا می شود همه معلول تصادف باشد تصادف و اتفاق چگونه کرات آسمانی را تحت نظمی حکیمانه در مداری معین به حرکت در آورده؟ تصادف چطور در دل هر ذره جهانی منظم بیافرید و حرکت جوهری و مادی را به زنجیر ناگسستی نظم کشید؟ تصادف به چه ترتیبی به مرغ آموخت که تخم مرغ ها را زیرورو کند تا به وجود آمدن جوجه ممکن گردد؟ تصادف به چه نیرویی به پرنده (آکسیکلوپ) آموخت باید جهت فرزندان خود محیط مطمئن و آذوقه کافی مهیا سازد؟ ما وقتی به هریک از موجودات جهان

می‌نگریم همه را تحت نظمی دقیق می‌یابیم نظمی که جز به ناظمی مدبر و دانا و توانای علی‌الاطلاق امکان پذیر نیست. فطرت ما در افق افکار و اندیشه ما با خطی خوانا می‌نویسد آری جهان و آنچه در اوست به فرمان خالق توانا و صانع دانا به سوی سرنوشتی معین و مقصدی پیش‌بینی شده در حرکت است. تصادفی که دارای هدف و مقصدی نیست هرگز نمی‌تواند عامل پیدایش هیچ‌یک از موجودات جهان باشد. ممکن است شما خواننده عزیز بگوئید چرا تصادف نمی‌تواند پدیدآورنده دنیای منظم باشد؟ چرا بگوییم نظم نشانه عقل و درک است؟ چرا بگوییم پدیده‌های جهان همه معلول عکس‌العمل‌های فیزیکی و واکنش‌های شیمیایی است؟ پاسخ همه این پرسش‌ها را از این پس در این مقاله خواهید یافت.

چرا تصادف نمی‌تواند جهانی منظم پدید آورد؟ محکم‌ترین برهانی که در رد عقاید مادی‌ها عموماً و به ویژه ابطال ششمین عقیده آن‌ها می‌توانیم بیان کنیم همانا برهان

ص: 28

غیرقابل انکار نظم است و آن ارتباط مخصوص موجودات است به یکدیگر. مثلاً اگر میزی را در وسط اتاقی مشاهده کنیم که در جهان و اطراف چهارگانه آن صندلی‌هایی به فاصله‌های معین و تعداد مساوی قرار گرفته‌گوئیم وضع اتاق از نظر میز و صندلی منظم است و اگر ببینیم تعداد صندلی‌ها در اطراف میز غیر مساوی یا فاصله آن‌ها از یکدیگر مختلف و یا از نظر رنگ و مدل به هم نمی‌خورند خواهیم گفت اتاق از آن نظر غیر منظم است پس از این مقدمه چنین نتیجه گرفتیم که در چیزهایی که هماهنگی و سنخیت وجود دارد نظم نیز موجود است در غیر این صورت نظم وجود نخواهد داشت. اکنون ببینیم تصادف صرف، می‌تواند عامل پیدایش پدیده‌ای گردد که در آن نظم و هماهنگی حکم فرما باشد یا نه.

1- اگر حروف يك صفحه از كتاب را كاملاً پراکنده و از هم جدا سازيم سپس با چشمانی بسته یکی پس از

ص: 29

دیگری حروف را در کنار یکدیگر بچینیم آیا عملاً ممکن است که تصادفاً حروف هر يك به جای خود قرار گیرد و صفحه به صورت نخست در آید؟

2- اگر يك هزار شماره را از يك تا هزار به هم مخلوط نموده در يك کیسه بریزیم و آنگاه دست درون آن برده و اعداد را یک یک بیرون آوریم آیا عملاً امکان دارد که تصادفاً شماره ها مرتب بیرون آید؟ جواب این دو سؤال منفی است زیرا که تحقق منظور «نیاز به وجود نظم دارد و تصادف نمی تواند عامل نظم باشد». ما وقتی به هر یک از موجودات جهان بنگریم از اعماق ذراتی که اتم را تشکیل داده اند تا بزرگ ترین کهکشان ها همه را معلول عوامل مربوط به هم می بینیم که در بین آن ها يك هماهنگی مخصوص وجود دارد اگر یکی از علل دچار نارسائی گردد بقیه نیز از کار خواهند افتاد. مثلاً اگر به آب اقیانوس ها و دریاها اشعه خورشید نتابد بخارات از آن ها

ص: 30

متصاعد نخواهد شد و در این صورت ابری موجود نگشته و بارانی نمی بارد. در این هنگام زمین قابلیت زراعت ندارد و از آن گیاه نمی روید و نیز تا آخرین مرحله سیر علل:

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند

تا توانائی بکف آری و به غفلت نخوری

همه از به-ر تو س-رگشته و ف-رم-ان بردار

شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری

تا اینجا چنین نتیجه گرفتیم که عقلاً نمی توان پیدایش چنین جهان اعجاب آوری را که از تراکم عوامل مرتبط و هماهنگی با یکدیگر تشکیل یافته به تصادف نسبت داد.

ص: 31

فصل پنجم: ندای فطرت در اثبات وجود خدا

دلیل فطری بر اثبات خدا: ما وقتی با چشمانی حقیقت جو به هر جانب نظر می افکنیم از سطح اقیانوس ها و اعماق آن ها گرفته تا قله کوه ها، از جهان اسرارآمیز درون اتم تا بزرگ ترین کهکشان های آسمان همه را دلایل و براهینی انکارناپذیر بر اثبات وجود خدا خواهیم یافت. همچنین اگر از کلیه مظاهر خارجی چشم بپوشیم و فقط در خویشتن بنگریم و وجود خدا را از زوایای وجود خود جستجو کنیم، وجود او را درك خواهیم کرد.

چنانکه آمده است (من عرف نفسه فقد عرف ربه) یعنی «کسی که خویش را شناخت پس به تحقیق پروردگار خود را شناخت». شاعر می گوید:

ای در درون ج-ان-م و جان از ت-و بی خبر

وز تو جهان پر است و جهان از تو بی خبر

ذکر تو در خی-ال و خیال از ت-و بی نصیب

نام ت-وب-ر زب-ان و زب-ان از ت-و بی خ-بر

ص: 32

یکی از راه های پی بردن به وجود آفریدگار، ندای فطرت است. وقتی عوامل طبیعی از کار می افتد و کابوس یأس و ناامیدی بر انسان سایه می افکند، آنگاه در درون دورنمای تاریک و یأس آور خود، نقطه سفیدی را می بیند که هرگز زدودنی نیست. آن نقطه، امید و نجات است از طرف نیرویی که مافوق طبیعت است و طبیعت مقهور اوست. آن خدای جهانیان است. چنانچه در بحار مجلسی است که مردی به امام جعفر صادق (علیه السلام) عرض کرد: مرا دلیلی آموز که بدان با ملحدان و منکرین خدا ستیز کنم. حضرت فرمود: آیا کشتی سوار شده ای؟ گفت بلی، هیچ شده که کشتی تو در آستانه غرق شدن باشد و امید نجات نداشته باشی؟ گفت: آری در مسافرتی چنین پیش آمد کرد. حضرت فرمود: آیا در آن هنگام امید داشتی کسی تو را نجات دهد؟ گفت: آری. حضرت فرمود: همان خدا است. چون محسوسات از نظر مرتبه مقدم بر معقولات است، انسان قبل از معقولات محسوس را احساس می کند یا به عبارتی روشن تر محسوسات وسیله نیل بهمعقولات

است تا هنگامی که علل ظاهری که جزء محسوسات بشمار می رود و به وسیله حواس پنج گانه احساس می شود کمتر متوجه معقولات که به وسیله این حواس درک نمی شود می گردد روی همین اصل تا وقتی که وسایل ظاهری موجب اطمینان باشد ندای وجدان و فطرت را نمی شنود ولی هنگامی که امید از کلیه عوامل طبیعی بریده گردید وجود عامل نیرومندتری را احساس می کنیم و روزنه امیدبخشی را در آینده تاریک خود می بینیم اشکال: ممکن است وجود امید به نجات دهنده در مواقع بسته شدن درهای امید معلول عادات و رسوم و تلقینات فردی و اجتماعی باشد. در پاسخ این ایراد باید متذکر شویم که واکنش هایی که از رسوم و عادات در قشری از مردم پدید می گردد مصنوعی و محدود بوده و در مجامعی عملی نیک تلقی شده آن را منطبق با اصول تمدن می دانند، در صورتی که در جوامع دیگر کرداری وحشیانه و ضدانسانی بشمار می رود. مانند مرام کمونیستی و سرمایه داری که در اثر تبلیغات یکقسمت جهان به این

وقسمتی دیگر به آن گرایش دارند و جمعی آن را روش عادلانه دانسته و عده ای آن را ناصحیح می پندارند. فرق دوم عادت و فطرت، تبدیل یافتن عادت است به دگرگونی محیط و متغیر شدن تبلیغات و شرایط و غیرقابل تغییر بودن فطرت است. مثلاً ممکن است از راه تبلیغ، اصولاً عادت را در فرد و یا اجتماعی نابود ساخت و یا از نفوذ آن کاست ولی هرگز امکان ندارد که عکس العمل های فطری بشر مانند علاقه مادر به فرزند را به تبلیغ از قلب او برای همیشه زدود ولی قابل تصور است که در اثر وجود شرایطی به طور موقت معلولات فطری را نادیده انگارد. ولی وقتی شرایط دگرگون و مانع برطرف شد نیاز به مقتضی نداشته و به طور خودکار مجدداً ظهور می کند. روش ناهنجار برخی از اعراب در زمان جاهلیت و اتخاذ تصمیم دژخیمانه در مقابل دختران خود همه معلول شرایط نامناسب محیط شبه جزیره عربستان بود که با طلوع اسلام و تعالیم روح بخش پیامبر راستین حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) در اقیانوسبیکران زمان محو گردید و

دوباره علاقه پدر فرزندی جوشیدن آغاز نمود. تاکنون چنین نتیجه گرفتیم که عادات و رسوم اجتماعی با انگیزه های فطری دو فرق اساسی دارند: اول اینکه عادات مصنوعی و دستخوش تغییر می باشد، دوم اینکه نفوذش در اجتماع محدود است به خلاف اصول فطری که ذاتی و همیشگی و سیطره قدرتش در مقیاسی همگانی ثابت و پابرجاست می بینیم کلیه بشر از عصر حجر و قبل از تاریخ گرفته تا زمان کنونی از بومیان جزیره استرالیا تا پیشرفته ترین کشورها همه متکی به يك نقطه مرموز بوده و هستند که گاهی به صورت بت و خورشید و ماه و ستاره و آتش و شیطان و گاو پرستی و زمانی به چهره یکتا پرستی جلوه گر شده. بنا به گفته دانشمند مصری فرید وجدی در دائرة المعارف خود صفحه 639، «نیایش و اعتقاد به خدا همراه به وجود آمدن انسان پدید گشت».

ص: 36

فصل ششم: برهان علمی بر اثبات خالق

آیا اصولاً علم می تواند حقایقی ثابت و غیر قابل تزلزلی که به گذشت زمان و پیشرفت دانش دستخوش تغییر نگردد به ما نشان دهد و در صورت امکان می توان بر اثبات خالق آن را حربه مؤثر دانست؟ در مجموع می توان گفت بله.

ما وقتی درباره مراحل و دوران رشد و تکامل علوم می اندیشیم از لحظه تکوین تا آخرین سیر تکاملی آن را بررسی و تحقیق نماییم مواجه با واقعیتی قطعی که تزلزل یافت و یا اصولاً ابطال فرضیه ای که مدت زمانی جزء مسلمات بشمار می رفت و به صورت قانون در آمده بود خواهیم شد. زمانی در حدود سال (160 میلادی) دانشمندی که سرآمد دیگران بود بنام بطلمیوس نتیجه تحقیقات علمی خود را در خصوص منظومه شمسی به صورت قانونی حتمی بیان داشت تا سال (1473 میلادی) ارزش و موقعیت آن همچنان باقی بود تا در

ص: 37

سال مذکور دانشمندی بنام کپرنیک لهستانی به فرضیه جدید خود، زمینی را که بگفته بطلمیوس ساکن بود متحرك دانسته خورشید را مرکز سایر سیارات اعلام کرد بدین ترتیب طومار فرضیه بطلمیوس پس از (1313) سال حکومت که مطمئن ترین فرضیه بشمار می رفت در هم نوردیده و در گورستان فرضیات مبطله مدفون گردید. شواهد و نظایر بی شماری از این گونه فرضیه ها که به سرنوشت اسف بار عقیده نجومی بطلمیوس دچار شدند وجود دارد که جهت نمونه یکی از آن ها ذکر شد. نه تنها معلومات مستدل علمی قابل اطمینان نیست، بلکه ناتوانی علم را در پاسخگویی بسیاری از مشکلات و مجهولات مشاهده می کنیم. مثلاً آنچه را که موردقبول کلیه دانشمندان گذشته و حال این است که جهان در تحت یک نظام دقیقی اداره می شود ولی آیا آن ناظم نخستین و مدبر فعلی کیست؟ علم مادی جوابی ندارد و از صحنهپنهاور طبیعت نتوانسته اند برای آن مدبری طبیعی و مادی

بیابند. بشر با وصف تلاش پیگیرش به قطعه ناچیزی از علم دست یافته، چنانکه خداوند می فرماید « وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا » و « وَلَا يَحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ ». علم نمی تواند کنه رمز آفرینش را تشریح کند و به هر گونه سؤالی پاسخ مثبت دهد. تا اینجا چنین نتیجه گرفتیم که فرضیات علمی فناپذیر بوده و به پیشرفت علم، برخی مسلمات علمی به نیستی می گراید و دیگر اینکه دانش مادی بشری عاجز از بیان کنه رمز خلقت است. ولی باید اعتراف کرد که برخی از اکتشافات علمی که تاکنون موقعیت خود را از دست نداده اند و به نوعی یقین آور شده اند، می توانند مطابق سیره عقلاء یقین آور باشند و عامل اثبات موضوعاتی شوند. شما اگر از پنجره، شیر درنده را در بیرون خانه حاضر ببینید، یقین می یابید که خروج از خانه خطرناک است. پس این خبر یا اکتشاف (وجود شیر درنده در بیرون خانه)، توانست برای شما مطابق سیره عقلاء یک یقین پیرامون وجود

خطر ایجاد کند. پس اخبار صحیح و اکتشافات علمی دقیق که حالت رای العین دارند، می توانند برای عقلاء، کاشف از واقع الامر باشند. مثلاً تقریباً کروی شکل بودن زمین را امروزه به رای العین دیده ایم.

با ضمیمه کردن يك اصل مسلم عقلی که در بحث برهان عقلی در اثبات خدا گذشت، که آن لزوم علت فاعلی هرگونه پدیده (و نفی دور و نفی تسلسل) است، می توانیم از طریق یافته ها و اکتشافات علمی کلیه عقاید از (ماتریالیست ها) را ابطال کنیم. گفتار (ایده آلیسم ها) که جهان جز خواب و خیالی نیست به همان فرض خودشان موهوم خواهد بود و ازلی و قدیمی بودن عالم بقاعده ی (ترمودینامیک حرارت) غیرعقلانه اعلام شد. همچنین در مطالعه شیمی و فیزیک زمین دو نکته توجه را جلب می کند: یکی - تعیین لحظه ایجاد، دوم اتحاد شکل پدیده ها که هر دو کاملاً با فلسفه ادیان مطابقت دارد. از موادی که در رخدادهای رادیواکتیوی سنگها، شهاب ها و

اجرام سماوی از بین می رود (یعنی واپاشی اتمی) می توان تاریخ پیدایش زمین را تعیین کرد (عمرسنجی رادیومتریکی بر اساس نسبت ایزوتوپها). همچنین از محاسبات دقیق علمی و نجومی می توان عمر زمین را در حدود 5 الی 6 میلیارد سال (و عمر جهان را در حدود 13.8 میلیارد سال) تخمین زد. از این قاعده مسلم می شود که جهان ازلی نیست. بلکه قبلاً نبوده و بعد موجود گشته. گفتار دیگر پیروان مکتب آتیه ایسم را که جهان خودبه خود به وجود آمده است بقاعده عقلی و علت فاعلی رد کردیم و احتمال اینکه هر يك از موجودات عامل یکدیگرند به اشکال فلسفی (دور) باطل نمودیم و عقیده ای که پدیده ها هر يك عاملی جدا دارند به اشکال وجود (تسلسل) رد نمودیم. بنای پنداری که «تصادف موجب پیدایش شده» به مشاهده ی وجود نظم های حیرت انگیز و دقیق در کائنات و همچنین نیازمندی نظم به شعور (و نیازمندیهوشمندی به برنامه ریزی و شکست تقارن ها) و «فاقد بودن تصادف شعور را» در هم خواهد ریخت.

عاشق شوارنه روزی کار جهان سر آید

ناخوانده نقش مقصود از کارگاه هستی

(حافظ)

وَ آخِرُ دَعْوَانَا أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةَ وَالسَّلَامَ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَآلِهِ الْأَطْيَبِينَ الْأَطْهَرِينَ الْمُنْتَجِبِينَ الْهُدَاةِ
الْمُهْدِيِّينَ الْمُعْصومِينَ سَيِّمًا بَقِيَّةِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ وَصَحْبِهِ الْمُنْتَجِبِينَ وَالسَّلَامَ عَلَى أُمَّةِ الْمُسْلِمِينَ وَهُدَاةِ الْمُسْتَضْعَفِينَ وَحِمَاةِ الْمُؤْمِنِينَ

پایان

ص: 42

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

